

Provide a Health-Oriented Model of Emotional Education of Children in Islamic Sources and Ideas

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Nadereh Bahri¹
Mohammad Reza Sarmadi^{2*}
Mohsen Imani Naeini³

How to cite this article

Nadereh Bahri, Mohammad Reza Sarmadi, Mohsen Imani Naeini, Provide a Health-Oriented Model of Emotional Education of Children in Islamic Sources and Ideas, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:5(4); 370-379

1. PhD Student, Department of Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Full Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: ms84sarmadi@yahoo.com

Article History

Received: 2021/12/23
Accepted: 2022/02/16
ePublished: 2022/03/16

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to provide a health-oriented model of emotional education of children in Islamic sources and ideas by descriptive-analytical method.

Materials and Methods: Considering the living conditions in a religious society and the introduction of different and alien models of emotional relationships and its spread among young people and adolescents, it is necessary to study and study religious and Islamic ideas and refer Provide behavioral patterns of emotional relationships for families and raising children to the views and ideas of religious leaders.

Findings: The results showed that; Revealing and nurturing emotional abilities among spouses not only builds relationships between the two at different levels, but also promotes and nurtures relationships with others, including God, as well as a healthier family atmosphere to avoid tension and conflict. And nurture the instinct and natural abilities of children towards goodness and goodness. In other words, parents in the position of the most central element of family interactions, when they have a fundamental commitment to moral, value, religious and emotional teachings in the marital relationship, can be an acceptable and valuable model for transmitting concepts and teachings of the global value system. , To be humane, transcendental and transcendental of Islam to their children and to establish their personality and existential identity.

Conclusion: One of the important and influential factors on children's upbringing is observing the favorable relationships between parents, which is the source of these desirable relationships between parents, to actualize their emotions.

Keywords: Emotional education, lifestyle, Islamic sources, moral teachings.

ارائه الگویی سلامت محور از تربیت عاطفی فرزندان

در منابع و اندیشه های اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷
* نویسنده مسئول: ms84sarmadi@yahoo.com

مقدمه

تحقق هدف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با براهین روشن و احکام و قوانین متین، برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد؛ از این رو تعلیم و تربیت مهم‌ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به‌ویژه اسلام را تشکیل می‌دهد. جوامع مختلف با توجه به ضرورت‌های فرهنگی خود، برای نظام تعلیم و تربیت اهداف و خط‌مشی‌های متفاوتی را اتخاذ می‌کنند که در امر یویا نگاه‌داشتن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مؤثر است؛ در این میان، نظر به اینکه جوامع کنونی با توجه به بحران‌های مختلف اخلاقی و اجتماعی، رویکرد دوباره‌ای به ایمان و باورهای دینی دارند، توجه به ترویج دین و دین‌داری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است.

وظیفه دین در تعیین اهداف تعلیم و تربیت، به نقش آن در زندگی انسان برمی‌گردد. مسلماً انسان و جامعه‌ای که با گرایش به یک آیین و مذهب خاص، مسیر زندگی خود را تعیین می‌کند، نمی‌تواند در انتخاب اهداف غایی تربیتی، خود را از فرمان‌ها و بایده‌نمایی‌های دینی بی‌نیاز ببیند. فرهنگ حاکم بر انسان، در همه شئون زندگی او ریشه می‌دواند. تربیت دینی، نشان دهنده راه و روشی است که در انتها، به هدف زندگی منجر می‌شود و هر دین و مذهبی این هدف را به‌نوعی متفاوت از دیگری ترسیم می‌کند؛ برای مثال، در دین اسلام، با دیدی توحیدی به مسائل زندگی توجه می‌شود؛ اعتقاد فرد مسلمان بر این است که کمال آدمی، در گروه سلوک و رفتار وی و عمل به تعهداتش نسبت به خود، جامعه و خدا است. دین، به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می‌دهد؛ بنابراین چگونگی پرورش نسل کنونی یکی از مهم‌ترین اصولی است که پیشرفت یک کشور وابسته به آن است. سرمایه‌گذاری برای تربیت سالم و دینی دانش‌آموزان یک جامعه در واقع اقدامی زیربنایی است که مسئولان تربیتی کشور به‌منظور فراهم ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و متدین و دارای اعتقاداتی قوی باید زمینه رشد همه‌جانبه و امکان رسیدن به این مهم را برای تمامی آنها فراهم نمایند.

در میان دوره های مختلف زندگی، دوران کودکی از مهمترین و تأثیرگذارترین دوره های رشدی محسوب می‌شود. در این دوره پایه های اساسی شخصیت کودک در تعامل با محیط شکل می‌گیرد و رفتارهای بعدی او در ارتباط با خانواده، جامعه و گروه های بزرگتر را شکل می‌دهد (۱). می‌توان گفت ازدواج مهمترین قرار داد زندگی هر فردی است. انسان‌ها به دلایل متفاوتی ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند، عواملی مثل عشق، امنیت اقتصادی، امنیت عاطفی، احساس آرامش از عوامل ازدواج هستند. به هر حال به هر دلیلی بعد از ازدواج آنچه اهمیت دارد به وجود آمدن نهادی است به نام خانواده. خانواده به عنوان اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و اولین تأثیراتی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده

نادره بحری^۱

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمدرضا سرمدی^{۲*}

استاد تمام، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

محسن ایمانی نائینی^۳

دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف این تحقیق ارائه الگویی سلامت محور از تربیت عاطفی فرزندان در منابع و اندیشه های اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: با توجه به وضعیت زندگی در جامعه ای دینی و نیز ورود الگوهای مختلف و بیگانه از روابط عاطفی و گسترش آن در میان جوانان و نوجوانان، لازم و ضروری است تا با مطالعه و بررسی اندیشه های دینی و اسلامی و رجوع به آرا و اندیشه های بزرگان دین، الگوهای رفتاری از روابط عاطفی را برای خانواده ها و تربیت فرزندان ارائه بدهیم.

یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد که؛ بارز نمودن و شکوفاسازی توانمندی های عاطفی در میان همسران، نه تنها ارتباط میان آن دو را در سطوح مختلف سامان می‌دهد، بلکه به ارتقاء و سالم سازی روابط با دیگران، از جمله خدا و نیز جو خانوادگی سالم تر برای دوری از تنش و درگیری و پرورش فطرت و توانمندی های سرشتی فرزندان به سوی خوبی و خیر باشد. به بیان دیگر، پدر و مادر در جایگاه محوری ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام اساسی به آموزه های اخلاقی، ارزشی، دینی و عاطفی در روابط همسری داشته باشند، می‌توانند الگوی مقبول و ارزنده ای برای انتقال مفاهیم و آموزه های نظام ارزشی جهانی، انسانی، فرازمانی و فرامکانی دین اسلام به فرزندان خویش باشند و شخصیت و هویت وجودی آنان را پایه ریزی کنند.

نتیجه گیری: یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تربیت فرزندان، مشاهده روابط مطلوب میان والدین است که منشأ این روابط مطلوب والدین، به فعلیت رساندن عواطفشان است.

کلمات کلیدی: تربیت عاطفی، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت های اخلاقی.

تربیت کودک استفاده کرد. به نظر می رسد با توجه به ماهیت سیستمی ارتباطات انسان و جامعه، استفاده از این شیوه نه تنها در بهبود روش های تربیتی کودک، کارآمد خواهد بود بلکه تبعات آن، خانواده و جامعه را نیز به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می دهد و با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر بر اثر تزلزل نظام های ارزشی و انحلال مبانی فطری کانون تهدید قرار گرفته است و جامعه بشری با بحرانها و ستم های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه رو شده است (۶).

مواد و روش ها

این پژوهش در زمره پژوهش های بنیادی است. به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی است. این پژوهش به روش کتابخانه ای است. جامعه مورد پژوهش ما کلیه روایات نقل شده به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع نقش والدین در تربیت عاطفی کودک پرداخته اند. کتاب ها، مقالات مربوط به نقش والدین و تربیت در سیره اسلامی شناسایی و جمع آوری شده و مورد مطالعه قرار گرفته است و همچنین با استفاده از امکانات رایانه ای مطالب از کتابخانه های دیجیتالی و مقالات علمی در نشریات دیجیتالی و صفحات وب جمع آوری شده است.

تربیت عاطفی

اهمیت یادگیری و تربیت عاطفی، در جهان کنونی در حال افزایش است. بیشتر معلمان بر این امر توافق دارند که نیازهای عاطفی و اجتماعی دانش آموزان بایستی فرآیند یادگیری مورد توجه قرار گیرد. این توجه به این دلیل است که چگونه دانش آموزان، خودشان را احساس می کنند و در باره خود فکر می کنند (۷).

تربیت عاطفی، جزئی از فرآیند یادگیری است که در همه سیستم های آموزشی، شناخته شده و جا افتاده است (۸). عواطف به عنوان پیش درآمد یادگیری در مقام یک سازه انگیزشی در نظر گرفته می شود (۹)، که محصول انگیزه موفقیت می باشد (۱۰) و در فرآیند یادگیری تحریک و پرورنده می شود (۱۱).

با این وجود، این عواطف به ندرت در مقام اهداف یادگیری در نظر گرفته می شوند چون بیشتر سیستم های آموزشی اغلب به دنبال یادگیری عقلایی می باشند که در آن بر دست یابی به دانش عقلایی در شکل واقعیت ها، ایده ها، فرایندهای حل مسایل، فهم، تحلیل و ادغام مطالب به شیوه ای شناختی که اغلب به شیوه ای رفتاری و در قالب نوشتن، طراحی و صحبت کردن ابراز می شود. در ادامه به معنا و مفهوم تربیت عاطفی خواهیم پرداخت.

معنی و مفهوم تربیت عاطفی

تربیت عاطفی، عموماً به عنوان بخشی از چارچوب یادگیری اجتماعی - عاطفی مورد اشاره قرار می گیرد (۱۲). این حوزه جدیدی است که بیشتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است و

است (۲). بر اساس پژوهش های انجام شده و منابع اسلامی می توان گفت خانواده و به ویژه والدین به عنوان مهمترین عنصر مؤثر در شکل دهی به شخصیت و تربیت کودک مطرح هستند که با اتخاذ شیوه های مختلف تربیتی می توانند تأثیرات متفاوتی بر شاکله ی شخصیتی کودک برجای گذارند. لذا درحالی که تربیت در پژوهش های آموزشی و تربیتی مکاتب و اندیشه صاحب نظران مختلف به انواع جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی تقسیم و گاهی حتی به فرعیات آن نیز اشاره شده، دور از انصاف است که جهت گیری تربیتی کامل اسالم به ابعاد مختلف انسانی، محدود و کلی بیان شود. بر پایه ی تعالیم اسالمی نیز تربیت صحیح فرزند از مهمترین مسئولیت های پدران و مادران است که الزم است کاملاً به آن توجه کرده و از افراط و تفریط بپرهیزند و بدانند که افراط و تفریط مسئولیت الهی و اخروی دارد (۳).

در این پژوهش ضمن اذعان به اینکه دریافت عمق مؤلفه های تربیتی مانند هر موضوع دیگر امکان پذیر نیست، تلاش می شود به قلمروی تربیت عاطفی به عنوان یکی از این قلمروها اشاره شود که در تعلیم تربیت از جایگاه خاصی برخوردار است. یکی از مباحث بین رشته ای و قابل تأمل که به عنوان یک بعد از ابعاد انسان در موضوعات تربیتی مورد بحث قرار گرفته، عاطفه و نگاه عاطفی به تربیت است. عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه ها و تصمیمات است، تربیت عاطفی به این دلیل به عنوان مسئله ای مطرح است که نقطه عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روان انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد.

سلامت روان از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است و سلامت روان مفهومی است که در ساده ترین تعریفش به معنای سالم بودن و دور از آفت بودن بدن، اندیشه و روح است (۴). بعد عاطفی می تواند به حفظ تعادل بین همه ابعاد بینجامد و این موضوع در نظام های تعلیم و تربیتی کمتر ارائه شده و این خود سبب چالش هایی در حوزه تعلیم و تربیت شده است. با دقت نظر در منابع اسلامی موجود، می توان گفت این منابع با اتکاء به وحی الهی، حاوی دقایق تربیتی ای هستند که امروزه علوم جدید سعی در کشف آنها دارند. یکی از مهمترین و برجسته ترین این منابع، سیره ی تربیتی اسلامی و دینی است که با اتصال به خزانه ی علم الهی می تواند در ارائه ی اصول تربیتی صحیح راهگشا باشد. بر این اساس و با پذیرش دین اسلام به عنوان کامل ترین روش زندگی، به نظر می رسد ارائه ی اصول جامع و مانعی در زمینه ی تربیت عاطفی کودک بدون بررسی سیره ی تربیتی پیشوایان ما میسر نخواهد بود، چراکه به فرموده ی امام رضا (ع)، تمام نیازمندی های فرزندان آدم و جمیع علوم مختلف بشری نزد امام معصوم است (۵).

جمع بندی موارد مذکور با در نظر داشتن ضرورت بومی سازی علوم انسانی، استخراج شیوه ی تربیت عاطفی کودک بر اساس سیره ی و مبانی اسلامی را ضروری می سازد تا بر اساس آن بتوان از مؤثرترین و کارآمدترین روش های مبتنی بر فرهنگ ایرانی- اسلامی در

¹ Emotional education (EE)

و امکانات برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی های بالقوه انسان و هدایت آن به سوی مطلوب (۱۶).

در شکل گیری و تکون شخصیت و ویژگی های عاطفی، اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل وراثت و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی، اثرگذارترین عامل، خانواده است و در میان عوامل خانوادگی محوری ترین عامل والدین اند (۱۷). با توجه به نقش کلیدی والدین در انتقال ارزش های دینی و معنوی به فرزندان و اهمیت رشد شخصیت مطلوب عاطفی ایشان با محوریت فرهنگ ناب دینی، نسبت به یکدیگر و تأثیر آن بر رشد تربیت مطلوب فرزندان، در ادامه به عوامل تربیتی عاطفی فرزندان در خانواده با استفاده از آموزه های اسلامی خواهیم پرداخت.

الف) همسویی بینش ها و باورهای مذهبی

بنیادی ترین مسئله در نهاد خانواده که سبب آرامش و جلب عاطفی اعضای آن می شود اصل همتایی در بینش ها و باورهای دینی اعضای خانواده، به ویژه همسران، است. در تعالیم اسلامی هنگام گزینش همسر بر اصل «کفو» به معنای همتایی و همانندی تأکید شده است، بدین معنا که زن و مرد در افکار و باورها و ویژگی های رشدی تقریباً همتا باشند: «آنکوحوا الاکفاء و آنکوحوا منهنم واختاروا لطفکم» (۱۸). همسویی والدین در باورهای مذهبی، افزون بر اینکه سبب گرمی خانواده، به خصوص تحکیم روابط عاطفی خودشان است، در تربیت مطلوب فرزندان نیز مؤثر است. روابط عاطفی مطلوب و دین پسند والدین به هم و فرزندان ناشی از خداباوری در بینش ها، افکار و باورهای آنان است؛ پس داشتن بینش واحد و هماهنگ والدین در نوع برقراری روابط، با محوریت دینی و عملیاتی ساختن آنها در زندگی، از مهم ترین عوامل عاطفی پرورش شخصیت فرزندان است. ب) اندیشه از خود دانستن وجود فرزند از عوامل شکل گیری روابط عاطفی مطلوب والدین نسبت به فرزندان این است که والدین وجود فرزندان را از خود آنها می دانند و علاقه طبیعی و خدادادی میان خودشان و آنان را احساس می کنند و خوبی و بدی آنان را، خوبی و بدی خودشان می دانند و به سرنوشت مطلوب و زندگی سعادت‌مندانه دنیایی و اخروی آنها علاقه مند هستند (۱۹). امام سجاد در تبیین این ویژگی عاطفی والدین و لزوم پرورش آن، با عنوان حقوق فرزند یاد کرده، می فرماید: «وَأما حق ولدك فتعلم إنه منك ومضاف إلیک فی عاجل الدنيا بخیره وشره وإنک مسؤول عما ولینه من حسن الأدب والدگالة علی ربه والمعونة علی طاعته فیک وفي نفسیه فماب علی ذلک ومعاقب» (۲۰)؛ حق فرزندت بر تو آن است که بدانی او از توست و رفتار نیک و بدش در این دنیا با تو پیوند دارد و تو به دلیل مسئولیت و ولایتی که بر او داری موظفی او را خوب تربیت کنی و به جانب پروردگارش رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنانچه در تربیت او سهل انگاری کنی مورد عقوبت خداوند قرار خواهی گرفت.

والدین با ایجاد ارتباط عاطفی و دوستانه مبتنی بر این حقیقت فطری انسان، ارتباط سیستمی متعالی در شبکه اعضای خانواده بر قرار می کنند و محیط عاطفی مناسبی برای فرزندان فراهم می آورند تا

مبتنی بر این پیش فرض است که یادگیری موثر و پیشرفت کارآمد، فراتر از حوزه نسبتاً باریک مهارت های دانشگاهی و تحصیلی که به طور سنتی سیستم آموزشی بر آن مبتنی است، به دست می آید. بارو عمومی بر این نظر است که اهداف تعلیم و تربیت در دوره ما، فراتر از انتقال دانش است و به دنبال آماده سازی دانش آموزان جوان به افراد سازگاری در دنیای سیال، متغییر و پر چالش امروزی است (۱۳).

تعریف تربیت عاطفی

با توجه به تعریف تربیت و تعریف عاطفه می توان تربیت عاطفی را این گونه تعریف نمود: تربیت عاطفی عبارت است از فراهم سازی شرایط مناسب و با استفاده از عوامل و روش های مؤثر و برنامه ریزی شده از سوی عوامل تأثیر گذار بر تربیت، به منظور شکوفاسازی گرایش های عاطفی متربی (انسان) و کمک رساندن به رشد عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی در یک فرایند مستمر و تدریجی مقصود از عواطف مثبت، گرایش ها و احساسات خوب و مثبتی است که فرد در وجود خود می یابد و زمینه ساز برقراری ارتباط سازگارانه و شفقت آمیز با دیگران می گردد و مطلوب شرع و عقل می باشد. مراد از عواطف منفی، گرایش ها و حالاتی است که ناراضی را دنبال دارد و زمینه ساز عدم برقراری ارتباط مثبت و احیاناً صدور گفتار و یا رفتار نامطلوب از فرد نسبت به دیگری می گردد و از منظر شرع و عقل سلیم، مطلوب تلقی نمی گردد. گرچه بسیاری، تلاش نموده اند که از این زاویه واژگان دال بر عواطف در قرآن کریم را به دو دسته متمایز تقسیم کنند ولی این تقسیم بندی، چندان اصولی به نظر نمی رسد و مبتنی بر یک معیاری که تمام این واژگان را تحت پوشش قرار دهد نیست، چرا که مفهوم تعدادی از واژگان دال بر عاطفه در قرآن هم بر عاطفه مثبت و هم بر عاطفه منفی دلالت دارد. به عنوان مثال همان گونه که اشاره رأفت، محبت، هم در معنای پسندیده و مطلوب به کار رفته است و هم در معنای ناپسند و نامطلوب و همچنین است واژگان خوف، خشیت...

به هر صورت قرآن کریم، بر شکوفایی و تقویت عواطف مثبت تأکید دارد و بر هدایت و تعدیل عواطف منفی در راستای رشد و تعالی انسان دستور می دهد.

عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده عوامل تربیت عاطفی، زمینه هایی اند که در ارتباط یک انسان با دیگران تحقق یافته، باعث اثرگذاری بر عواطف و منش شخصیتی همدیگر یا فرد ثالث می شوند و در عمل به سود همدیگر گامی بر می دارند یا دست کم اظهار همدردی با احساس همدلی و یگانگی می کنند. این آثار به شکل محبت، مودت، رحمت، لطف، رأفت، عفو و گذشت، خشوع، الفت، شفقت، احسان، حلم، شکر و مانند آن در ابراز و عملکرد افراد نمود می یابد (۱۴). واژه تربیت نیز که از نظر لغوی به معنای پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد بر شاگرد و دیگر زیردستان به کار رفته است (۱۵)، از ریشه «ربی» و «ربا» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می کند. بنابراین، تربیت عبارت است از فراهم آوردن زمینه

همدیگر در عرصه های گوناگون زندگی، عمیق و ریشه دار می سازد؛ زیرا محبت، مهربانی و عطوفت، به زندگی خانوادگی و اجتماعی گرمی می بخشد و صمیمیت، صداقت و برخورد نیک و شایسته را در پی دارد. پیامبر اکرم که در باب این نکته مهم می فرماید: «قول الرجل للمرأة: اینی أحبک، لا یذهب من قلبها أبداه؛ مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن هرگز از دل زن بیرون نمی رود.

محبت زن و شوهر به هم یکی از راهکارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی است که در تحکیم عواطف آنان با فرزندان نیز بسیار مؤثر است. محبت در مقام یکی از آموزه های اخلاقی اسلام مورد تأکید است (۲۴). خداوند در باب اهمیت این موضوع می فرماید: «وین ۱ ایاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها وجعل بینکم مودةً ورحمةً» (روم: ۲۱)؛ از نشانه های قدرت خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. بر همین اساس می توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، محبت است و بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل همسران به یکدیگر است. پیامبر گرامی اسلام به می فرماید: «فأشفقوا علیہ و طیبوا قلوبہن حتی یقف معکم ولا تکرهوا النساء ولا نخطوا بهن»؛ با زنان مهربانی کنید و دل هایشان را به دست آورید تا با شما همراهی کنند و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید.

از این رو، لازمه شادابی و نشاط روانی زن و مرد، به ویژه زن این است که خود را محبوب همسر خویش ببیند و از عشق و علاقه او به خویش مطمئن باشد. اگر زن درباره محبت و علاقه همسرش به خود تردید کند، احساس درماندگی و ناتوانی عاطفی به او دست می دهد. این مسئله چنان بر روان زن اثر می گذارد که علاقه او به فرزندش نیز کمتر می شود؛ به بیان دیگر، عاطفه مادری به شدت از عواطف شوهر در قبال زن تأثیر می پذیرد و این خود نشان می دهد که هر چه محبت و علاقه در روابط عاطفی والدین بیشتر برقرار باشد، فرزندان تربیت خواهند شد که محبت را در کانون اعمال و رفتار خویش قرار خواهند داد. افزون بر آن، محبت و به ویژه ابراز آن در همه مراحل و همدلی با فرزندان، نقشی بسیار مهم در تربیت عاطفی آنان دارد.

والدینی که با فرزندشان محبت شدید و همدلی دارند، می توانند احساس سرخوردگی احتمالی فرزند را از نتایج توصیه های خود و چگونگی ارتباط خود با فرزندان کشف کنند و برای یافتن راه حلی که برای هر دو پذیرفتنی باشد، کوشش کنند؛ به بیان دیگر، والدینی که با احساسات فرزند خود همدلی می کنند، مایل و قادرند که به طور سازنده به سوی مطلوب حرکت کنند و زمینه ارتباط مطلوب و مؤثر با فرزندشان را فراهم نمایند. امام صادق ل می فرماید: «إن الله یرحم العبد لشدۃ حبه لولده». بدون تردید، خداوند بر بنده خود به سبب شدت محبت و همدلی با فرزندش، رحم می کند.

همدلی والدین اثری مهم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به دقت و درجه مراقبت خود از فرزندشان در هنگام

توانمندی هایی که در فطرت آنها نهاده شده است، به تدریج بروز و پرورش یابد و موجب برقراری ارتباط نیک با فرزندان، احترام و تکریم آنها، تقویت احساس ارزشمندی، رضایت، خشنودی و دیگر صفات مهم عاطفی تربیت در آنان گردد (۲۱، ۲۲).

انسان به دلیل داشتن غریزه حب ذات، به خود و همه دارایی هایش دلبستگی دارد. براساس حکمت خداوندی، همین نکته سبب می شود از خود در برابر مخاطرات و تهدیدها محافظت کند. پدران و مادران از آن جهت که فرزندان را پاره ای از وجود و ثمره زندگی خود می دانند، به شدت به فرزند احساس دلبستگی دارند؛ از همین رو سخت از او محافظت می کنند. از منظر امام علیّه فرزند نه تنها پاره ای از وجود آدمی، بلکه همه وجود اوست. ایشان در بخشی از نامه خویش به امام حسن * چنین می فرماید: «و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آن گونه که اگر به تو آسیبی برسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است». والدین با ابراز محبت به فرزند، شخصیت عاطفی او را می پروراند و زمینه دلبستگی کودک را به خود فراهم می سازند؛ بدین ترتیب، روابط کودک در جامعه بزرگ تر شکل می گیرد به گونه ای که کودک این رابطه با والدین را بعدها نیز ادامه خواهد داد تا رفتارش را با والدین محبوبش تطبیق دهد. پس دلبستگی والدین به فرزند می تواند زمینه لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم سازد و آنان را به سوی تطبیق رفتارشان با والدین تشویق و ترغیب کند (۲۳). در حقیقت، این نوع علاقه طبیعی میان والدین و فرزندان از عوامل مؤثر در سبک زندگی مطلوب سفارش شده در آموزه های اسلامی است که می تواند زمینه ساز پرورش فرهنگ و اخلاق دینی در خانواده شود.

پ) انسان دوستی

بشر دوستی که در فطرت پدر و مادر وجود دارد، خود سر منشأ برقراری روابط عاطفی با فرزند است. در فرهنگ قرآن به برقراری ارتباط عاطفی افراد بشر با دیگری به مثابه یک اصل تربیتی توجه شده است؛ از این رو، مادامی که افراد و از جمله فرزندان از رفتار انسانی بیرون نرفته اند و درصدد مقاتله و دشمنی با خدا و دین برنیامده اند و برای اخراج افراد دیگر از سرزمینشان اقدامی صورت نداده اند، همچنان بر رابطه دوستی، حتی در سطح بر و احسان و برخورد عدالتی تأکید می شود (ممتحنه: ۹ - ۸). در احادیث متعدد عملیاتی ساختن این میل فطری سرآمد فعالیت های خردمندانه آدمی شمرده شده است. تمایل فطری آدمی به بشردوستی مصادیق فراوانی دارد و در عملیاتی و اجرایی کردن محبت، هر کسی که به فرد نزدیک تر است، شدت بیشتری دارد، از جمله این محبت ها، محبت والدین به فرزند است. البته محبت مؤمنان به هر فردی در طول محبت خداست.

ت) محبت

میل به محبت دیدن و محبت ورزی از تمایلات فطری انسان است که در هر دوره ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا آخرین زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود. محبت، احساسات و تمایلات خانوادگی و اجتماعی انسانها را نسبت به

گونه ای که از نگرش و حرف فراتر روند و به ارزش گذاری فعالانه و قدردانی عملی احترام آمیز تبدیل شوند (۲۲).

امام سجاد (ع) از تکریم همسران در برابر یکدیگر به ادای حق آنها تعبیر می کنند و می فرمایند: «اما حق همسر تو این است که توجه داشته باشی خداوند او را آرامش جان، راحت باش تو و مونس، همدم و پناه تو ساخته است. تو باید باور داشته باشی که او نعمت خداوندی است برای تو و شکر این نعمت را باید به جای آوری و با وی مصاحبت و همراهی خوب داشته باشی و او را تکریم نمایی و با او با مدارا رفتار کنی.» (۲۰). امام سجاد در این بیان زن و شوهر را مصاحب و همراه همدیگر دانسته است. ایشان در بیان دیگری برای مصاحب و همراه، حقوقی بر می شمارد از جمله اکرام و تکریم یکدیگر.

بنابراین زن و شوهر و همچنین دیگر اعضای خانواده، بدان سبب که هم صحبت و رفیق اند باید فرهنگ تکریم را در میان خویش حاکم سازند.

امام صادق ^ع به احترام متقابل زن و شوهر بسیار سفارش کرده، می فرمایند: «رحم الله عبداً أحسن فیما بینة و بین زوجته» خدا رحمت کند، بنده ای که رابطه میان خود و همسرش را نیکو قرار دهد، همچنین پیامبر اکرم می فرمایند: «خیرکم خیرکم لنسائکم» برترین شما خیر خواه ترین فرد نسبت به زنان خویش است.

رابطه احترام آمیز میان زوجین، در نظام تربیتی دینی نشانه ها و نمودهای ویژه ای دارد. شایسته است که احترام متقابل همسران در برابر هم، افزون بر احترام قلبی در برخی رفتارهای بیرونی نیز ابراز شود. از جمله این رفتارها می توان به خواندن همسر با نام مناسب و شایسته شأن او و تشکر و قدردانی از همسر (۲۵) اشاره کرد. فرهنگ سازی تکریم و احترام متقابل در میان همسران، در پرورش این فرهنگ در میان اعضای دیگر خانواده تسری می یابد و شخصیت مطلوب عاطفی در فرزندان نیز پرورش می یابد. در اسلام جدای از توجه به اثربخشی تکریم والدین نسبت به همدیگر، برای تربیت مطلوب فرزند، تکریم او را وظیفه همگان دانسته است. رسول گرامی اسلام پوی ضمن دستور به اکرام فرزندان نقش این اکرام را در خوب تربیت کردن فرزند دانسته و فرموده اند: «اکرموا اولادکم واحسنوا آدابهم» لازم است که فرزندان خود را اکرام کنید و بر خوردهای خود را با آنان نیکو سازید. (چ) حسن ظن (مثبت نگری) مثبت اندیشی و حسن ظن به دیگران، افزون بر باروری عواطف انسانی، سبب رفع یا کاهش ناهنجاری های خانوادگی و اجتماعی است. حضرت علی می فرمایند: «حسن الظن راحة القلب، حسن الظن یخفف الهم» حسن ظن مایه راحتی دل است، حسن ظن تخفیف دهنده هم و غم است.

اصولاً دستور دین و تأکید نظام تربیتی و اخلاقی این است که مؤمنان باید نگاه مثبت به همدیگر داشته باشند و هنگامی که چیزهای بدی به مؤمنان نسبت داده می شود، آنان را جز به خیر و خوبی یاد نکنند و دروغ بودن نسبت بد به مؤمنان را آشکارا اعلام کنند. پس حسن ظن به مثابه یک دستور دینی و اخلاقی در خانواده و روابط میان همسران، جایگاهی مهم دارد و لازم است همسران از هرگونه گمان بد به یکدیگر بپرهیزند تا زمینه آرامش و سازگاری آنان هر چه

بروز مشکل و آسیب می افزایند و در زندگی فردی و اجتماعی وی مهر و الفت را به ارمغان می آورند. البته این نکته حایز اهمیت است که در ابراز محبت و تکریم شخصیت فرزند نباید افراط کرد؛ زیرا در آن صورت شخصیت فرزند بر اثر زیاده روی والدین در ابراز محبت های نابجا لطمه جبران ناپذیری خواهد خورد و او از جامعه توقعات و چشم داشت های نابجایی خواهد داشت

(ث) خوش رویی

خوش رویی محبوب ترین و ارزشمند ترین عمل نزد خدا پس از واجبات الهی است و از رحمت الهی برمی خیزد. خدای مهربان با معرفی پیامبر اکرم باید در جایگاه الگوی برتر حسن خلق، در خطاب به ایشان می فرماید: «به سبب لطف و رحمت خدا بود که با آنان نرم خوئی کردی و اگر درشت خوی و سخت دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده شده بودند» (آل عمران: ۱۵۹).

خوش رویی و مهربانی والدین با همدیگر و فرزندان از عوامل مهم در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی است که در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتماد به نفس و شکوفایی استعداد های فرزندان تأثیری فراوان دارد. پیامبر گرامی درباره ارزش و جایگاه خوش رویی می فرمایند: «أحسن الناس ایمانا أحسنهم خلقا و ألطفهم بأهله و أنا ألطفکم بأهلی» شایسته ترین مردم از نظر ایمانی، خوش اخلاق ترین و مهربان ترین آنها با خانواده اش است. امام باقر می فرمایند: «البشر الحسن وطلاقة الوجه مکسبه للمحبة وقریة من الله» گشاده رویی و خوش رویی در برخورد با دیگران، مایه جلب محبت آنان و نزدیکی به خداست.

ارتباط والدین با چهره گشاده رشته دوستی را بادوام تر کرده، از یک سو سبب کسب مهارت های اجتماعی و عاطفی و از سوی دیگر سازگاری بهتر فرزندان با مسائل را به ارمغان می آورد. به فرموده امام صادق، اخلاق خوش سبب افزایش عمر و بهره مندی از نعمت ها می شود و نسلی منتظر و مزین به محاسن اخلاق و شخصیت مطلوب عاطفی پرورش می یابد. بنابراین یکی از نتایج شکوفاسازی و پرورش توانمندی های فطری، خوش رویی است. هریک از والدین با اخلاق و رفتارهای خوب، ریشه های نگرشی و گرایشی حسن خلق در فرزندان را زمینه سازی می کنند.

(ج) تکریم و احترام متقابل

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل در خانواده است. تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسان است؛ زیرا غریزه حب ذات در سرشت انسان نهاده شده است و هر کس می کوشد شخصیتش پذیرفته و گرامی داشته شود. با احترام و تکریم، بستری عاطفی فراهم می آید که عزت و کرامت در افراد نهادینه می شود و هنجارهای ارزشی، انسانی و معنوی در خانواده و جامعه جایگاه متناسب خود را باز یافته، گسترش می یابد.

برای فرهنگ سازی تکریم و احترام در خانواده، نخست باید میان زن و شوهر احترام برقرار شود، بدین صورت که آنان نگرش کرامتی به همدیگر داشته باشند و برای هم احترام فراوانی قایل شوند و دیگری را ارزشمند بدانند؛ این ارزشمندی را بر زبان آورند و آن را به نوعی ابراز کنند؛ با توجه و دقت به سخنان هم گوش دهند، به

پس، وقتی والدین به این فضیلت نایل آیند، و بر عذوفت، مهربانی و بخشایشگر بودن اتفاق نظر داشته باشند، می توانند گامی بزرگ در زمینه سازی تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش بردارند. سخت گیری نکردن به رفتارهای فرزندان و عفو لغزش های آنان، از جمله عواملی است که در پرورش کرامت و شخصیت عاطفی مطلوب فرزندان مؤثر است. رسول اکرم و می فرمایند: «خدا رحمت کند کسی که در نیکی و نیکوکاری فرزند خویش را کمک کند و او را نیکوکار تربیت نماید. پرسیدند چگونه، فرمودند آنچه فرزند توان انجام آن را دارد از او بپذیرد و آنچه نمی تواند که مطلوب عمل کند یا لغزشی از او صادر می شود، بر او ببخشد و با سخت گیری او را به گناه و اندارد و در برابر او مرتکب اعمال خلاف نشود که او بد تربیت گردد» در بیانی امام علی می فرمایند: هر کس کرامت و شخصیت عاطفی اش پرورش یابد همه رفتارهای او نیک می شود و نیکوکاری و حسن عمل را بر خود دینی می داند که موظف به ادای آن است.»

بی شک، اتخاذ چنین روشی در سبک زندگی از جانب والدین، زمینه را برای تقویت، تربیت و شکوفاسازی عاطفی فرزندان فراهم می کند و تعاملات آنان را به نحو مطلوب سامان می دهد.

خ) نیکی در برابر بدیها

در نظام تربیت اسلام رفتار متعادل و برخورد معقولانه در رویارویی با رفتارهای ناشایست و مذموم فرزند، از راه هایی است که به پرورش شخصیت مطلوب عاطفی آنان کمک می کند، کار نیک در برابر عمل ناپسند دیگران یا پس از عمل ناشایست خودش، به قدری در زندگی فردی و گروهی انسانها مهم و مؤثر است که افزون بر اینکه سبب شکوفایی و باروری بعد عاطفی افراد می شود؛ انسانهای ناهمگون و متخاصم را با یکدیگر، همگون و مهربان می سازد. به بیان دیگر، یکی از شیوه های مناسب و اثرگذار که سبب افزایش علاقه مندی، مهربانی و عذوفت میان افراد خانواده و جامعه می شود، برگزیدن شیوه نیکی در برابر بدی ها و اسائه ادب هاست. بر این شیوه در احادیث اسلامی تأکید شده است. امام علی له می فرمایند: «الإحسان الی المسیء أحسن الفضل» (۲۷)؛ نیکی کردن به کسی که به تو بدی کرده، برترین ارزش و فضیلت است.

ایشان در حدیث دیگری می فرمایند: «أصلح الشیء بتن فعالک وکل علی الخیر بجمیل مقالک» کسی را که به تو بدی کرده است با نیکبایات اصلاح کن و با زیبایی کلامت او را به خیر دلالت کن.

سیره عملی و تربیتی رسول اکرم و معصومان بر این روش استوار بوده است. آنان در برابر بدیهای جاهلان، ارتباط کلامی و عملی مناسب را با آنها برقرار می ساختند. رسول اکرم تو در ارتباط با رفتار عاطفی نیک در برابر رفتارهای ضد عاطفی دیگران می فرماید: «صیل من قطعک و اغط من کرمک و آخرین إلی من أساء إلیک و سلم علی من سبک و أنصف من خاصمک و اعف عن ظلمک کما أنك حب أن یعنی عنک»؛ آن که از تو قطع رابطه کرد، پیوند گیر و آن که تو را محروم ساخت عطایش بخش و از آن که به تو ستم روا داشت در گذر.

ایشان همچنین در مقابل بدی که از خود فرد صادر می شود، توصیه به خوبی کرده، می فرمایند: «إذا أسأت فأحسین فإن الحسنات یدهین

بیشتر فراهم شود. نگاه منفی به دیگران نه تنها منجر به کاهش و از میان رفتن عواطف انسانی می شود، بلکه براساس آموزه های اسلامی، این نوع نگاه، مذموم و نکوهش شده است. خداوند می فرماید: «یا ایها الذین ءامنوا اجتنبوا کثیرة من الظن إن بعض الظن إثم ولا تجسسوا..» (حجرات: ۱۲)؛ ای اهل ایمان از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها (باطل و بی حقیقت) معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق مگمارید). منفی بافی و نادیده گرفتن واقعیت های موجود، شرایط فرد، خانواده، گروه و جامعه، زندگی خانوادگی و اجتماعی را دچار بحران می سازد. بسیاری از مشکلات و ناهنجاری های فرا روی جوامع بشری، ریشه در سوء ظن های ناآگاهانه و طمع آلودی دارد که افراد بر دیگری، روا می دارند. از عواملی که نگرش مثبت را در والدین افزایش می دهد می توان به هم اندیشی با خوبان، ثبات شخصیت و اعتماد به نفس (نور: ۱۲)، پرهیز از تجسس و غیبت (حجرات: ۱۲)، احسان و سهل گیری برای هم، کنترل تفکر منفی، تخریب یا مبارزه با عقاید و باورهای نادرست اشاره کرد. با تقویت نگرش مثبت میان والدین و عملیاتی کردن آن در ابرازها و رفتارها، فرزندان تحت تأثیر قرار می گیرند و شخصیت عاطفی شان در زمینه مثبت نگری نیز پرورش می یابد؛ از این رو، فرزندان به والدین، مربیان، معلمان و دوستان صالح اعتماد می کنند و از رفتارهایی چون غیبت، تهمت، استهزا و هر نوع رفتارهای ضداخلاقی که منشأ همه آنها سوء ظن است، مصون می مانند.

ح) عفو و بخشش

یکی از شیوه های پسندیده که در تقویت عواطف انسانی نقش بنیادی دارد، شیوه عفو و بخشش است. بخشش، رویارویی منطقی با تألم ناشی از جراحت روحی و بازسازی احساس ها و باورهای شخصی است (۲۶). بیشترین سفارش اسلام در سبک زندگی خانوادگی، گذشت و چشم پوشی زن و شوهر از لغزشها، کج خلقی ها و اشتباهات همدیگر است؛ زیرا در صورت داشتن روحیه مشترک، باز از اشتباه، خطا و عصبانیت در امان نیستند. نبی مکرم اسلام می فرماید: «علیکم بالعفو فإن العفو لا یزید العبد إلا عزا تعاقوم یعزکم الله» بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو و گذشت موجب عزت بنده است، پس در برابر همدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

پیروی از چنین روشی در زندگی نه تنها عامل مؤثر در تقویت و پرورش بعد درونی و عاطفی افراد به شمار می آید، بلکه اهمیت و کارایی این رویکرد تا آنجاست که خداوند به روشنی رسولش را به اتخاذ چنین شیوه ای، دستور می دهد: «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین (اعراف: ۱۹۹)؛ ای رسول ما، شیوه عفو، گذشت و بخشش را پیشه کن و به نیکوکاری امر نما، و از مردمان نادان رو گردان باش.

همچنین امام علی من می فرمایند: «العفو تاج المکارم»؛ عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است.

همچنین امام علیه می فرمایند: «العفو تاج المکارم» عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است.

الستینات؛ «وقتی بدی کردی، به دنبال آن نیکی کن که نیکی‌ها بدیها را محو می‌کند.

این شیوه حسنه در برابر بد رفتاری‌ها، کج خلقی‌ها و لغزش‌های فرزندان، به طریق اولی اثربخش‌تر است و زمینه پرورش خوبی‌ها در فرزندان را فراهم می‌سازد.

(د) یار و غمخوار و مایه نشاط بودن

زن و شوهر برای ایفای نقش ویژه خود در زندگی مشترک، با سختی‌ها و محدودیت‌هایی مواجه‌اند و چه بسا این کار سبب خستگی روحی و عاطفی آنان شود و نشاط لازم برای پیشبرد و موفقیت خانواده را از آنان سلب کند. در چنین شرایطی اگر زن و شوهر ارتباط عاطفی مطلوب و همکاری صمیمانه داشته و غمخوار یکدیگر باشند و مشکلات و سختی‌ها را تحمل کنند، نشاط اعضای خانواده حفظ و آثار غم و نگرانی از محیط خانه، بیرون می‌رود. در زندگی علوی این باور ظهور و بروز چشمگیری داشت و آنان در سختی‌های زندگی یار و یاور یکدیگر بودند. امیر مؤمنان در بیان تعامل خود و همسرشان، می‌فرماید: «ولقد كنت أنظر إليها فتكشف عني الهموم والأحزان»؛ به فاطمه ی نگاه می‌کردم و به واسطه این نگاه همه اندوهها و ناراحتی‌هایم برطرف می‌شد.

غم زدایی والدین از یکدیگر، گرچه نشاط شخصیتی را برایشان فراهم می‌سازد، ولی این کار، سبب پرورش شخصیت عاطفی در فرزندان می‌شود و آنان را از ابتلا به افسردگی و ارتباط نادرست با دیگران مصون سازد. پیامبر گرامی اسلام نه‌نیز این ایجاد نشاط در فرزندان را توصیه کرده‌اند و به سبب تأثیر آن در پرورش شخصیت مطلوب فرزند، برای پدر پاداش آزاد کردن بنده در راه خدا را مطرح می‌کنند: «إذا نظر الوالد إلى ولده قسه كان للوالد عتق تسمنة»؛ پدری که با نگاه مودت آمیز خود فرزند خویش را مسرور می‌کند، خداوند به او اجر یک بنده آزاد کردن خواهد داد.

(ذ) هدیه دادن

هدیه دادن از کارهای پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای در روابط عاطفی بر جای می‌گذارد. افراد اعم از والدین، همسر، فرزندان، دوستان و اقوام به مناسبت‌های مختلف باید به این کار مهم توجه کنند. با اینکه نوع هدایا برای افراد از نظر سنی، جنسی و میزان ارزش متفاوت است، ولی آنچه مهم است، نفس هدیه دادن است که به پرورش بعد عاطفی افراد مدد می‌رساند و سبب جلب دوستی و علاقه مندی بیشتر میان آنان و سبب ماندگاری آن لحظات در ناخودآگاه افراد می‌شود. به دلیل تأثیر مثبت هدیه بر عواطف انسانی است که حضرت محمد پی می‌فرماید: «تهادوا تحابوا فإن الهدیة تذهب بالضغائن» (۲۸)؛ به یکدیگر هدیه دهید تا زمینه ساز محبت میان شما و دیگری شود، پس به درستی که هدیه دادن کینه‌ها را از میان می‌برد.

مسلم، چنین تعاملی باعث افزایش علاقه میان والدین و فرزندان‌شان می‌شود؛ زیرا افراد علاقه و محبت درونی‌شان را با هدیه دادن به همدیگر ابراز می‌کنند که در نوع خود باارزش و درخور توجه است و در رشد شخصیت مطلوب عاطفی آنان مؤثر است.

(ز) ابراز عواطف مثبت

در اسلام به ارتباط عاطفی انسانها با یکدیگر برای آثار تربیتی آن بسیار توجه می‌شود. امام صادق * می‌فرماید: «یحق علی المسلمین الاجتهاد فی التواصل والتعاون علی التعاطف والمواساة لأهل الحاجة وتعاطف بعضهم علی بعض» (۲۸)؛ مسلمانان موظف‌اند درباره پیوستگی و کمک به یکدیگر به ویژه نیازمندان کوشا باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند؛ همچنین در تمام طبقات اجتماعی لازم است، مردم جهات عاطفی و اخلاقی را مراعات کنند.

این ارتباط عاطفی درباره فرزندان اولویت بیشتری دارد. ابراز عواطف مثبت والدین با دو شیوه می‌تواند بر تربیت عاطفی فرزندان اثرگذار: نخست، اینکه والدین می‌توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند برای خوشایندی آنان بکوشد؛ دوم، اینکه وجود والدین هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقشی مهم در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد؛ در واقع، به شکل‌گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می‌انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادهای آنها در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد؛ بنابراین، آنچه ما به مثابه مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان می‌طلسیم، می‌توانیم براساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین به فرزندان پیگیری کنیم همان‌گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می‌تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مؤثر و مطلوب آنان بینجامد و به تدریج در کجروی فرزندان اثر گذارد (۲۹). رسول گرامی اسلام با در بیان دیگری نگاه عاطفی و مهربانانه والدین به فرزندان را عبادت می‌دانستند: انظر الوالده إلى ولده با له عبادة» (۳۰)؛ نگاه پدر و مادر به فرزند، از روی مهر و محبت، عبادت است.

(س) توجه به امنیت روانی

خانواده مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روانی و معنوی فرزندان است و همه تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید بر این اصل بنیاد شود که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. اعضای خانواده به ویژه فرزندان باید در خانه احساس امنیت و آرامش روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. میان والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آنان بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند. والدین باید فرزندان را بدون شرط و آن‌گونه که هست بپذیرند؛ هر چند ممکن است رفتار فرزند دلخواه آنان نباشد. نباید دائماً لغزش‌های فرزند یادآوری شود و او را ملامت کرد و برای گناهانشان همواره کیفر شوند که این‌گونه کارها امنیت آنان را به خطر می‌اندازد. نباید به گونه‌ای حرف زد یا رفتار کرد که فرزندان دائماً احساس کنند توبیخ می‌شوند؛ بلکه باید از کارهای نادرست که انجام داده‌اند آگاه شوند و میزان فاصله آنها از حق و حقیقت برایشان مکشوف گردد. آنان باید بفهمند که از آلودگی‌ها روی برگردانند و به گونه‌های رفتار کنند که نیکوکاران رفتار می‌نمایند. بنابراین، در آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، خانواده مطلوب خانواده‌ای است که میان انگیزه‌های متنوع اعضای خانواده، تعادل ایجاد کرده

۹. از اسوه بودن خودشان برای فرزندان، با ارائه رفتارهای سالم و منطبق با معیارهای دینی محافظت کنند. با توجه به نقش گسترده عوامل گوناگون در تربیت عاطفی فرزندان، پیشنهاد می شود تا محققان، کارشناسان و متولیان امور فرهنگی - تربیتی و مشاوران خانواده نحوه توانمندسازی خانواده ها و تجهیز آنان به این عوامل و چگونگی به کارگیری آنها را پژوهش کنند و سیاست های پژوهشی و جهت گیری های علمی، فکری و روانشناختی را متوجه چگونگی تشکیل پایایی و پویایی روابط مطلوب عاطفی خانواده کنند تا والدین برای تربیت عاطفی و پرورش نسلی فرهیخته و فرزندان کارآمد و مسئول آمادگی کافی پیدا کنند.

References

1. Azazi, Shahla. (1389). *Sociology of family with emphasis on the role of family structure and function in contemporary Tehran; Enlightenment and Women's Studies*.
2. Islamzadeh, Babak, Ismaili, Masoumeh and Kazemian, Somayeh. (1396). *Qualitative analysis of the role of community renewal along with virtual media on family structure*. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 8 (31). Pp. 133 to 164
3. Beheshti, Ahmad (2011), *Islam and the rights of the child*. Qom: Book Garden, Second Edition.
4. Mirzabegi, Hassan Ali (2008), *Family and Imam Khomeini (RA)*, Qom, spoke.
5. Asgarifar, Hossein (2001), *The Role of Mental Health in Marriage, Marital Life and Divorce*, Tehran, Fatal Neyshabouri,
6. Niknejadi, Farzaneh et al., *And the effect of teaching educational methods based on the view of Khajeh Nasir al-Din Tusi on changing the attitude of mothers in raising their children* (2010), *Research in Curriculum Planning*, Vol. 16, pp. 23-42.
7. Kamran, Fereydoun, "The role of parents' lack of empathy on juvenile delinquency" (2007), *Sociology*, Vol. 4, pp. 105-119.
8. Clinker, Chris. L (2001), *Life Skills*, translated by Shahram Mohammad Khani, Tehran, Espand.
9. Panahi, Ali Ahmad, Ahmad Hossein Sharifi, *The moral requirements of spouses*

و ضمن معرفی الگوهای برتر دینی، آنان را از آلودگی ها و درگیری های روانی رهایی می بخشد.

نتیجه گیری

نهاد خانواده به صورت یک سیستم متعامل و به هم پیوسته است که هر یک از اعضای آن متناسب با جایگاه و نقشی که دارند، بر همدیگر اثر می گذارند. والدین مهم ترین نقش را در خانواده دارند و می توانند در صورتی که عوامل مؤثر بر تربیت را به کار گیرند، در رشد، پرورش و تحول شخصیتی فرزندان سهمی بسزا داشته باشند و در مقام یک مربی از بروز اختلافات شخصیتی در آنان پیشگیری کنند. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تربیت فرزندان، مشاهده روابط مطلوب میان والدین است. منشأ این روابط مطلوب والدین، به فعلیت رساندن عواطفشان است. عاطفه به مفهوم توجه، تمایل و گرایش یاورانه به دیگر است که همراه با رحمت و رأفت از خود به صورت های گوناگون به دیگری بروز می دهند. والدین با به جریان انداختن توانمندی های بالقوه عاطفی به شکل مثبت و کارآمدی بر روند تربیتی یکدیگر و فرزندان اثر می گذارند.

براساس آنچه ذکر شد، بارز نمودن و شکوفاسازی توانمندی های عاطفی در میان همسران، نه تنها ارتباط میان آن دو را در سطوح مختلف سامان می دهد، بلکه به ارتقاء و سالم سازی روابط با دیگران، از جمله خدا و نیز جو خانوادگی سالم تر برای دوری از تنش و درگیری و پرورش فطرت و توانمندی های سرشتی فرزندان به سوی خوبی و خیر باشد. به بیان دیگر، پدر و مادر در جایگاه محوری ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام اساسی به آموزه های اخلاقی، ارزشی، دینی و عاطفی در روابط همسری داشته باشند، می توانند الگوی مقبول و ارزنده ای برای انتقال مفاهیم و آموزه های نظام ارزشی جهانی، انسانی، فرازمانی و فرامکانی دین اسلام به فرزندان خویش باشند و شخصیت و هویت وجودی آنان را پایه ریزی کنند. البته برای نیل به این کار مهم، والدینی موفق اند که بتوانند به امور ذیل بپردازند:

۱. بینش ها و باورهای دینی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خودشان را همسو کنند؛
۲. در ارتباط متقابل خود با همسر، همواره احترام همدیگر را حفظ کنند؛
۳. هنگام سخن گفتن، با لحنی محبت آمیز و با نیتی خیرخواهانه وارد شوند؛
۴. اشکالها و انتقادها را دور از حضور فرزندان بازگو و حل و فصل کنند، به گونه ای که شخصیت و عزت نفس فرد، همواره حفظ شود؛
۵. نگرش نعمتی به یکدیگر دارند؛
- ۶- همدیگر را به بهترین نام و لقب خطاب کنند؛
۷. اوقات خوش خانه را با سخنان و گفتاری که سبب رشد و تعالی شخصیت خود و فرزندان شود، صرف کنند؛
- ۸ حقوق یکدیگر را کاملاً رعایت کنند تا امنیت روانی برایشان فراهم شود؛

22. Faqih Ali Naghi (2013), Sex Education, Principles, Principles and Methods from the Perspective of Quran and Hadith, Ch. 7, Qom, Dar Al-Hadith.
23. Sepah Mansour, Mojgan et al., "Perception of Childhood Attachment, Adult Attachment and Attachment to God, Developmental Psychology" (2008), Iranian Psychologists, Vol. 15, pp. 253-265.
24. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1414 AH), Makarem al-Akhlaq, research by Ala Al-Ja'far, Qom, Islamic.
25. Maleki, Hassan (2006), How to live with understanding for young couples and families), Ch III, Zanjan, Nikan.
26. Bagheri, Khosrow (1374). A New Look at Islamic Education, Fourth Edition, Tehran: Madrasa Publications.
27. Bernstein, H. Flip (1998), Recognition and Treatment of Marital Disorders Marital Therapy, translated by Hamidreza Sohrabi, Tehran, Rasa-
28. Klini, Mohammad Ibn Yaqub (1987), Sufficient Principles, Tehran, Islamic Theology.
29. Ahmadi, Mohammad Reza, (2006). Psychological foundations of effective communication between parents and children in the family environment. Journal of Knowledge, No. 104, pp. 25-18
30. Navabi Nejad, Shokouh (1996), Three Discourses on Parenting Guidance, Ch 6, Tehran, Parents and Teachers Association.
- and its role in raising children "(2009), Moral Knowledge, Vol. 1, pp. 119-162.
10. Payende, Abolghasem (2017), Nahj al-Fasaha (with Persian translation), Tehran, Javidan.
11. Mousavi Zanjanroudi, Mojtaba (1998), Religious education of children, Ch II, Qom, Meysam Tamar.
12. Nouri Tabarsi, Hussein (1608 AH), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustabat al-Masa'il, Beirut, Al-Bayt, Revival of Heritage.
13. Samani, Siamak; Razavieh, Asghar, "The Relationship between Family Solidarity and Emotional Independence with Emotional Problems" (2010), Psychological Health, Vol. 1, pp. 30-37.
14. Mesbah, Mohammad Taghi (2008), Ethics in the Quran, research and writing by Mohammad Hossein Eskandari, Ch 6, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
15. Dekhoda, Ali Akbar (1373), Dictionary, Tehran, University of Tehran.
16. Minagar, Abdolreza (2011), Islamic ethics and education, Ch 5, Qom, its initiative
17. Panahi, Ali Ahmad, Sharifi, Ahmad Hossein (2009). "The moral requirements of spouses and its role in raising children." Moral Knowledge, No. 1: pp. 119-142.
18. Majlisi, Mohammad Baqir (1903 AH), Baharalanwar, Beirut, Al-Wafa Foundation.
19. Fallah Rafi, Ali, "Model Methodology in Transmitting Values" (2012), Islam and Educational Research, Vol. 2, 33-57.
20. Hosseinzadeh, Ali (2009), Adaptive Wives, Ways of Adaptation, Ch III, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
21. Ziaee, Zahra; Ziaei, Khadijeh (2011), The effect of healthy parental relationships on religious education of children, purification from women and family studies), Fourth Year, Vol. 10, pp. 41-70.